

# ماجتهاد

## پژوهش‌های فقهی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

## وظیفه مکلف در فرض فقدان فتوای مجتهد اعلم

علی‌رضا اعرافی<sup>۱</sup>، محمد آزادی<sup>۲</sup>

### چکیده

مجتهد اعلم، در برخی از مسائل شرعی، به سبب نداشتن مطالعه یا دست نیافتن به نتیجه نهایی یا برخی ملاحظات، فتوایی بیان نمی‌کند. در این موارد باید بررسی کرد که اگر امکان رعایت احتیاط در واقع وجود دارد، آیا مکلف می‌تواند احتیاط را رها کند و از راه دیگری مانند تقلید از مجتهد اعلم بعدی، به وظیفه خود عمل کند؟ پیدایش این دست مسائل در گرو چهار عامل اصلی قابل رده بندی و ارزیابی است: ۱. مطالعه نداشتن مجتهد اعلم درباره مسئله معین؛ ۲. بررسی مسئله معین از سوی مجتهد اعلم، بدون دستیابی به نتیجه و بدون تخطئه دیدگاه دیگر فقها؛ ۳. ترک فتوا از سوی مجتهد اعلم به همراه تخطئه ادله سایر دیدگاه‌ها؛ ۴. ترک افتا به سبب رعایت برخی مصالح. برای

ماجتهاد  
پژوهش‌های فقهی

وظیفه مکلف در فرض فقدان فتوای مجتهد اعلم

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۸

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

eshragh.erfan@gmail.com

۲. استاد درس خارج حوزه علمیه و مدیر حوزه‌های علمیه.

۳. طلبه درس خارج حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، دانشکدگان

Mo.azadi313@gmail.com

فارابی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

برخی از صورت‌های چهارگانه، تقسیمات دیگری نیز قابل بیان است که در تحقیق ذکر خواهند شد. طبق دیدگاه برگزیده، وظیفه مکلف در هر یک از این صورت‌ها، یکی از چهار حکم زیر خواهد بود: ۱. وجوب مراجعه به مجتهدان اعلم بعدی؛ ۲. تخییر در مراجعه به مجتهدان بعدی؛ ۳. احتیاط میان آراء فقها؛ ۴. عمل به فتوای اظهارنشده مجتهد اعلم.

**واژگان کلیدی:** مجتهد اعلم، فقدان فتوا، مکلف، احتیاط در واقع، احتیاط در آراء فقها.

### مقدمه

مکلف برای خروج از عهده تکالیف الهی، باید به اجتهاد یا تقلید یا احتیاط پردازد. مکلفی که به مرتبه اجتهاد دست نیافته و قصد رعایت احتیاط نیز ندارد، باید از مجتهد تقلید کند. برای مرجع تقلید، معیارهای گوناگونی بیان شده است. بلوغ، شیعه دوازده امامی بودن، اعلیت، زنده بودن، مرد بودن و حلال‌زاده بودن از جمله این شرایط هستند. یکی از معیارهای مهم در انتخاب مرجع تقلید، اعلیت است. بنابر دیدگاه مشهور فقها، مکلف باید از مجتهد اعلم تقلید کند.<sup>۱</sup>

پس از آنکه مکلف مرجع تقلید خود را انتخاب کرد، باید در مسائل شرعی از او تقلید کند. گاه در جایی که مکلف باید از مجتهد معینی تقلید کند، آن مجتهد، فتوا نداده است. در این شرایط، باید بررسی نمود که مکلف چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا برای اطمینان به انجام حکم واقعی باید احتیاط کند یا روش دیگری برای او متصور است؟ برای تعیین وظیفه مکلف، نخست باید صورت‌های گوناگونی را که برای فقدان فتوای مجتهد اعلم موجود است، بازشناسی نمود و سپس با بررسی مقتضیات هر صورت، حکم هر یک را به طور مستقل بیان کرد. اموری مانند علت ترک فتوا از سوی مرجع تقلید و نحوه اظهار نظر او در این نوع مسائل، در تعیین وظیفه مکلف در این شرایط مؤثر است. در این مقاله تلاش می‌شود با بررسی حالات گوناگون فقدان فتوای مرجع تقلید، وظیفه مکلف تعیین گردد. همچنین باید توجه داشت که در این مسئله بین عبادات و توصلیات تفاوتی وجود ندارد و در هر دو نوع، وظیفه مکلف یکسان است.

ما مجتهد  
پژوهش‌های فقهی

سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

۱. یزدی، العروة الوثقی و التعلیقات علیها، ج ۱، صص ۲۴۴-۲۴۵.

## پیشینه

مسئله فقدان فتوای اعلم در کتاب‌های گوناگون فقهی بررسی شده است. سید یزدی این بحث را در مسئله چهاردهم باب اجتهاد و تقلید کتاب عروه بررسی کرده است<sup>۱</sup> و فقهای متعددی بر آن حاشیه زده‌اند<sup>۲</sup>؛ از جمله امام خمینی در مسئله دوازدهم اجتهاد و تقلید تحریر الوسيلة، محقق خویی در کتاب التنقیح و محقق تبریزی در کتاب تنقیح مبانی العروه<sup>۳</sup>. فقها، در این مسئله، دیدگاه‌های گوناگونی دربارهٔ وظیفهٔ مکلف ذکر کرده‌اند که می‌توان این دیدگاه‌ها را به سه دسته تقسیم نمود:

۱. بنابر ظاهر کلام فقهای مانند سید یزدی، حتی در فرض امکان رعایت احتیاط، مراجعهٔ مکلف به اعلم بعدی جایز است.<sup>۴</sup> طبق دیدگاه محقق حکیم نیز در صورتی که رعایت احتیاط ممکن باشد، مکلف بین مراجعهٔ به اعلم بعدی و رعایت احتیاط مخیر است.<sup>۵</sup>
  ۲. طبق دیدگاه امام خمینی مکلف می‌تواند به مجتهد دیگری مراجعه کند؛ البته بنابر احوط باید مکلف ترتیب علمی مجتهدان را مد نظر قرار داده و به مجتهد اعلم بعدی مراجعه نماید.<sup>۶</sup>
  ۳. طبق دیدگاه محقق خوانساری، گاهی مجتهد اعلم، به سبب مراجعه نکردن به مدارک مسئله از بیان فتوا خودداری می‌کند. در این صورت، مکلف می‌تواند به مجتهد غیر اعلم مراجعه نماید. اما گاهی ترک فتوای مجتهد اعلم به سبب خدشه در مدارک دیدگاه سایر مجتهدان است. در این شرایط، مراجعهٔ مکلف به سایر مجتهدان جایز نبوده و باید بر اساس احتیاط عمل کند.<sup>۷</sup>
- بنابر دیدگاه مختار، نمی‌توان حکمی کلی و واحد را در مسئلهٔ کنونی بیان نمود؛ بلکه باید پس از بیان صورت‌های گوناگون در مسئله، حکم هر فرض را به صورت مستقل بیان نمود. در این مقاله، صورت‌های گوناگون فقدان فتوای اعلم، به شکل تفصیلی بیان می‌شود؛

## مباحث

پژوهش‌های فقهی  
وظیفهٔ مکلف در فرض فقدان فتوای مجتهد اعلم

۱. همو، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶.

۲. همو، العروة الوثقی و التعليقات علیها، ج ۱، صص ۲۴۹-۲۵۰.

۳. خمینی، تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۵؛ خویی، التنقیح، ج ۱، ص ۱۷۹؛ تبریزی، تنقیح مبانی العروه، ج ۱، ص ۳۶.

۴. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶.

۵. حکیم، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۸.

۶. خمینی، تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۵.

۷. یزدی، العروة الوثقی و التعليقات علیها، ج ۱، ص ۲۴۹، حاشیهٔ ۴.

ولی در تحقیقات و مکتوبات پیشین فقها، این تفصیل بیان نشده و صرفاً برخی از فقها مانند محقق خوانساری، بخشی از تقسیم کلی ذکر شده در این مقاله را بیان نموده‌اند. طبق دیدگاه برگزیده، وظیفه مکلف در هر یک از این صورت‌ها، یکی از احکام زیر جاری خواهد بود: ۱. مراجعه به مجتهد اعلم بعدی؛ ۲. تخییر مکلف در مراجعه به سایر مجتهدان؛ ۳. احتیاط میان آراء فقها؛ ۴. تبعیت از دیدگاه اعلام‌نشده مجتهد اعلم.

### مفهوم‌شناسی

حقیقت «تقلید» عبارت است از انطباق عمل مکلف با دیدگاه مجتهد<sup>۱</sup> و «فقیه اعلم» مجتهدی است که توانایی استنباط بهتر و دقیق‌تری را از ادله موجود دارد.<sup>۲</sup> «رأی» یا «فتوا» نظری است که مجتهد پس از انجام مراحل استنباط و اجتهاد به آن دست می‌یابد<sup>۳</sup> و «افتا» بیان و ابراز احکام و پاسخ به مسأله فقهی است. بنابراین «افتا» به معنای بیان حکم است. مجتهدی که عمل اجتهاد را انجام داده و حکم را استکشاف کرده است، اگر نتیجه آن را به حالت انشائی، ابراز نکرده باشد، «افتا» انجام نداده است.<sup>۴</sup> مفهوم برخی از این واژگان مورد اختلاف قرار گرفته است، ولی به جهت ایجاد انسجام در مقاله، به یک مفهوم شاخص که مورد تأیید اهل علم و نویسندگان است اکتفا گردید.<sup>۵</sup>

ماجتهاد  
پژوهش‌های فقهی

### صور فقدان فتوای مجتهد اعلم

برای مواردی که مجتهد اعلم فتوایی ناظر به حکم واقعی بیان نکرده، صوری قابل ذکر است: صورت نخست؛ مطالعه نداشتن مجتهد اعلم درباره حکم مسئله معین و ترک هر گونه اظهار نظر: گاهی مجتهد اعلم در خصوص مسئله مطالعه نداشته و ابعاد آن را مورد بررسی قرار نداده و حکم آن را نمی‌داند. در این فرض مجتهد اعلم سکوت مطلق می‌کند و هیچ نوع

سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

۱. برای نمونه کلام سبزواری بر این دیدگاه دلالت دارد؛ ر.ک: یزدی، العروة الوثقی و التعليقات علیها، ج ۱، ص ۲۳۴، تعلیقه ۲.
۲. اعرافی، اجتهاد و تقلید، ج ۱، ص ۵۸۰.
۳. همان، صص ۱۲۳-۱۲۵.
۴. همان، صص ۱۰۹-۱۱۱.
۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک: اعرافی، اجتهاد و تقلید، ج ۱، سرتاسر.

فتوا و نظری درباره مسئله ندارد.

صورت دوم؛ ارزیابی جوانب مسئله و نرسیدن به نظر سلبی و ایجابی: گاهی مجتهد اعلم به بررسی موضوع پرداخته و مطالعه، تحقیق مدارک و منابع را انجام داده است، اما به نتیجه نرسیده و دیدگاه سایر مجتهدان را نیز تخطئه نمی‌کند. صورت سوم؛ تحقیق و عدم فتوای مجتهد اعلم به همراه تخطئه دیدگاه تمام یا برخی از مجتهدان دیگر.

صورت چهارم؛ تحقیق و دستیابی به فتوا بدون ابراز و افتادگی: مجتهد اعلم به مطالعه و تحقیق پرداخته و در مقام ثبوت و پیش خود، به نظریه‌ای رسیده است، اما به دلیلی خاص، مثل مخالفت فتوا با دیدگاه مشهور فقها، در مقام اثبات، این نظریه را ابراز نمی‌کند. برای مثال ممکن است فقیه اعلم در بررسی منابع به این نتیجه برسد که مغرب شرعی، هنگام استتار قرص رخ می‌دهد. در این شرایط دیدگاه او به دیدگاه عامه شباهت دارد<sup>۱</sup> و با نظر مشهور فقهای شیعه مخالف است.<sup>۲</sup> از این رو از ابراز فتوا خودداری می‌کند. بنابر فرض، در هریک از چهار صورت پیشین، مجتهد اعلم یا سکوت می‌کند یا به احتیاط و جوبی حکم می‌کند. بنابراین صور فقدان فتوا به هشت صورت می‌رسد.

## دیدگاه فقها

اگرچه فقها در تعلیقه‌های عروه، پیرامون مسئله کنونی دیدگاه‌های متعددی ذکر کرده‌اند، اما از منظر کلان، چهار احتمال درباره حکم مسئله قابل بیان است:

۱. وجوب احتیاط به طور مطلق؛ برای این احتمال، قائلی وجود ندارد.
۲. احتیاط یا مراجعه به مطلق فقهای دیگر؛ اگر مجتهد اعلم فتوایی نداشته باشد، مکلف می‌تواند به هر فقیه‌ی که از مرتبه اجتهاد برخوردار است، مراجعه کند. در این شرایط رعایت درجات و مراتب میان سایر فقها الزامی نیست. شاید بتوان از ظاهر کلام صاحب عروه این دیدگاه را برداشت کرد: «يَجُوزُ فِي تِلْكَ الْمَسْئَلَةِ الْأَخْذُ مِنْ غَيْرِ الْأَعْلَمِ».<sup>۳</sup>

۱. شافعی، المهذب، ج ۱، ص ۳۸۵.

۲. نحفی، جواهر الکلام، ج ۷، صص ۱۰۹-۱۱۰.

۳. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶.

۳. احتیاط یا مراجعه پلکانی به فقهای دیگر؛ مکلف باید احتیاط کند یا به صورت پلکانی به مجتهدان اعلم بعدی مراجعه کند. از این رو، اگر مجتهد اعلمی پس از مجتهد اعلم اول وجود داشته باشد، مراجعه به فردی که از صرف اجتهاد برخوردار است، جایز نیست. البته اگر مجتهدان غیر اعلم مساوی بودند، مکلف بین آنها تخییر دارد. تقریباً تمام تعلیقه‌های عروه به این دیدگاه اشاره کرده‌اند.<sup>۱</sup>

۴. تفصیل میان صورت‌های فقدان فتوا؛ برخی از فقها میان صور فقدان فتوای مجتهد اعلم -که پیش‌تر بیان شد- تفصیل قائل شده‌اند. اولین فقیه محقق خوانساری است.<sup>۲</sup> پس از ایشان، فقهای مانند محقق مرعشی نجفی و محقق خوئی نیز به آن اشاره کرده‌اند.<sup>۳</sup> طبق دیدگاه محقق خوانساری، گاهی مجتهد اعلم، به سبب مراجعه نکردن به مدارک مسئله از بیان فتوا خودداری می‌کند. در این صورت، مکلف می‌تواند به مجتهد غیر اعلم مراجعه نماید؛ اما گاهی ترک افتا به سبب خدشه در مدارک دیدگاه مجتهد اعلم بعدی و سایر مجتهدان است. در این شرایط، مجتهد اعلم، فتوای ایجابی و اثباتی ندارد؛ اما از دیدگاهی سلبی برخوردار است. با وجود این شرایط، مراجعه مکلف به سایر مجتهدان جایز نبوده و باید بر اساس احتیاط عمل کند.<sup>۴</sup> این فرض، به عنوان صورت سوم از صورت‌های چهارگانه معرفی شد.

در حقیقت، محقق خوانساری درباره صورت اول و سوم از صورت‌های عدم فتوای مجتهد اعلم، دیدگاه خویش را بیان نموده است. با بررسی دقیق این مسئله، می‌توان صورت دوم از صورت‌های عدم فتوای مجتهد اعلم (مطالعه بدون نتیجه مجتهد اعلم) را به صورت اول (عدم مطالعه مجتهد اعلم در مسئله مورد ابتلای مکلف) ملحق کرد. همچنین می‌توان صورت چهارم (مطالعه در مسئله و رسیدن به نتیجه و عدم ابراز آن از طرف مجتهد اعلم) را به صورت سوم (مطالعه، نرسیدن به نتیجه و تخطئه دیگران به وسیله مجتهد اعلم) ملحق نمود. به طور طبیعی باید محقق خوانساری در صورت چهارم نیز به طریق اولی به وجوب رعایت احتیاط یا عمل به دیدگاه مجتهد اعلم حکم دهد؛ زیرا طبق فرض، مجتهد اعلم در

۱. ر.ک: همو، العروة الوثقی و التعلیقات علیها، ج ۱، ص ۲۴۹، تعلیقه ۴.

۲. همان.

۳. به ترتیب: همان؛ خوئی، التنقیح، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴. یزدی، العروة الوثقی و التعلیقات علیها، ج ۱، ص ۲۴۹، تعلیقه ۴.

این صورت صاحب نظر است، اما به سبب برخی از ملاحظات، نظر خویش را بیان نمی‌کند. اگر مکلف در این شرایط دیدگاه مجتهد اعلم را بداند، نمی‌تواند به آسانی به دیدگاه مجتهد اعلم بعدی مراجعه نماید. نکته مذکور در کلام محقق خوانساری، در کلام محقق خوبی نیز با تقریرهایی ویژه مورد اشاره قرار گرفته است.<sup>۱</sup> محقق تبریزی نیز تفصیل محقق خوانساری و محقق خوبی را می‌پذیرد.<sup>۲</sup>

### حکم صورت‌های فقدان فتوای مجتهد اعلم

برای استنباط حکم دقیق مسئله کنونی، باید هریک از صورت‌های ممکن برای این مسئله را به طور مستقل بررسی نمود.

#### صورت نخست: مطالعه نداشتن مجتهد اعلم

این صورت، موارد ابتلای فراوانی دارد و در بسیاری از مواقع مجتهد اعلم در یک مسئله خاص و مورد ابتلای مکلفان، واجد نظر نیست. برای این صورت دو حالت قابل تصویر است: ابراز بی‌اطلاعی مجتهد اعلم و حکم به وجوب احتیاط.

در این مسئله، صاحب عروه<sup>۳</sup> و برخی از فقهای که بر عروه تعلیقه دارند<sup>۴</sup>، مراجعه به فقیه غیر اعلم را جایز می‌دانند؛ قدر متیقن این حکم، صورت اول (مطالعه نداشتن مجتهد اعلم در مسئله معین) است.

برای وجوب مراجعه به مجتهد غیر اعلم، دلایل گوناگونی قابل ذکر است:

دلیل نخست؛ سیره عقلایی مبنی بر وجوب مراجعه به کارشناس: اصل تقلید از مجتهد و کارشناس اعلم، مطابق سیره عقلایی است.<sup>۵</sup> البته در این باره دو سیره عقلایی وجود دارد<sup>۶</sup>؛ طبق یک سیره عقلایی، اصل وجوب مراجعه به کارشناس و مجتهد ثابت می‌شود؛ سپس

۱. خوبی، التقیح، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. تبریزی، تنقیح مبانی العروة، ج ۱، ص ۳۷.

۳. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶.

۴. مثل محقق خوانساری. ن.ک: همو، العروة الوثقی و التعليقات علیها، ج ۱، ص ۲۴۹، حاشیه ۴.

۵. آملی، القواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقليد، ج ۵، ص ۶۱؛ اعرافی، اجتهاد و تقلید، ج ۴، ص ۳۰۸.

۶. یزدی، العروة الوثقی و التعليقات علیها، ج ۱، ص ۲۴۹، حاشیه ۴.

این سیره مطلق در مواردی که کارشناس و مجتهدی اعلم موجود است، به سیره عقلایی مبنی بر وجوب مراجعه به کارشناس و مجتهد اعلم و برتر مقید می‌گردد. از این رو، در شرایطی که کارشناس و مجتهد اعلم وجود دارد و نظری را بیان نموده است، باید به او مراجعه کرد؛ اما هنگامی که کارشناس و مجتهد اعلم، فتوایی بیان نکرده است، فتوای مجتهد اعلم موضوعیت نخواهد داشت و طبق سیره عقلایی اول (لزوم مراجعه به کارشناس) مکلف می‌تواند به کارشناس غیر اعلم مراجعه کند. در این فرض مجتهد اعلم فتوا ندارد و به تخطئه دیدگاه سایر مجتهدان نمی‌پردازد؛ از این رو عمل به سیره عقلایی مبنی بر لزوم مراجعه به کارشناس اعلم، در فرض کنونی واجب نیست. در این شرایط، مراجعه به سایر کارشناسان مجاز می‌شود.

دلیل دوم؛ اطلاق ادله لفظی تقلید: اگر تمسک به اطلاق ادله لفظی پذیرفته شود، اثبات جواز مراجعه به سایر مجتهدان آسان‌تر خواهد بود. اطلاق ادله لفظی تقلید مانند آیه ذکر (مبنی بر پرسش از اهل ذکر)<sup>۱</sup> و روایات دال بر لزوم مراجعه به روات حدیث اهل بیت<sup>۲</sup> بر جواز مراجعه به مطلق کارشناس دلالت دارد؛ اما طبق سیره عقلایی مبنی بر وجوب مراجعه به کارشناس برتر، در صورت وجود مجتهد اعلم و ابراز فتوا از سوی او، مراجعه به سایر مجتهدان جایز نخواهد بود؛ ولی در مواردی که مجتهد اعلم فتوایی بیان نکرده است، تقلید به اعلم مصداقی نداشته و طبق اطلاق ادله لفظی تقلید، مکلف در رعایت احتیاط یا رجوع به مجتهدان غیر اعلم تخمیر خواهد داشت.

در بررسی صورت اول، باید به چند نکته توجه داشت:

نکته اول؛ ادله مذکور برای وجوب مراجعه به مجتهد اعلم بعدی: اگر پذیرفته شود که سیره عقلایی بر این مطلب دلالت دارد که در فرض تفاوت کارشناسان، باید به کارشناس برتر مراجعه کرد، باید این حکم را به طور مطلق جاری دانست. بنابراین وجوب مراجعه به کارشناس اعلم بعدی در صورت اول، بر سیره عقلایی مبنی بر مراجعه به کارشناس برتر و اعلم مبتنی است. همان گونه که اگر کارشناس و مجتهد اعلم، در مسئله‌ای معین فتوا داشته

۱. سوره نحل، آیه ۴۳: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».

۲. ابن بابویه، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴.



باشد، باید از او تقلید کرد، در صورتی که مجتهد اعلم فتوایی صادر نکرده باشد نیز باید از بین سایر کارشناسان موجود، به کارشناس برتر مراجعه نمود.

نکته دوم: یکسان بودن عدم فتوا با اعلام وجوب احتیاط؛ همان گونه که در مبحث پیشین گفته شد، برای صورت اول، دو حالت وجود دارد: عدم فتوای مجتهد اعلم و حکم مجتهد اعلم به وجوب احتیاط. طبق دیدگاه صحیح، حکم این دو حالت با یکدیگر تفاوت ندارد؛ زیرا در هر دو حالت مجتهد اعلم نظری ندارد و این دو حالت، مصداقی از موارد عدم وجود فتوای مجتهد اعلم به شمار می آیند. در این فرض، احتیاط وجوبی برای سایر مکلفان وجهی ندارد. اگرچه رعایت احتیاط، شیوه‌ای شایسته به شمار می آید و تمام مکلفان می‌توانند بر اساس احتیاط عمل کنند. اما اگر مجتهد در صورت کنونی مقلدان خود را به لزوم رعایت احتیاط دعوت کند، به این معنا است که اگر مکلفان مراجعه به سایر مجتهدان را انتخاب نکردند یا به کارشناس دیگری دسترسی نداشتند، باید احتیاط کنند؛ ولی در فرضی که مقلدان، کارشناس دیگری را بیابند، مجتهد اعلم نمی‌تواند به وجوب رعایت احتیاط حکم دهد. در این شرایط اگر مجتهد اعلم بخواهد به طور دقیق منظور خود را بیان نماید، باید از حکم مسئله ابراز بی‌اطلاعی کند و به تخییر مکلف بین احتیاط و مراجعه به مجتهدی دیگر قائل شود. حکم به احتیاط وجوبی در مسئله‌ای که مجتهد اعلم در آن به استنباط حکم نپرداخته است، نوعی ارشاد به حکم عقل به شمار می آید و طبق این ارشاد، مکلف بین عمل به دیدگاه سایر مجتهدان یا عمل به احتیاط مخیر است.

صورت دوم: بررسی مسئله، بدون نتیجه و بدون تخطئه دیگر مجتهدان

در این صورت مجتهد اعلم به عملیات استنباط حکم در مسئله‌ای خاص ورود کرده، به مطالعه و تحقیق پرداخته و تمام اطراف مسئله را بررسی کرده، اما به تخییر رسیده و حکم مسئله را نفهمیده است؛ و در عین حال، فتوای سایر مجتهدان موجود را نیز مورد تخطئه قرار نمی‌دهد. در این شرایط، مجتهد اعلم فتوایی نمی‌دهد. این صورت با صورت اول تفاوت چندانی ندارد؛ زیرا در صورت دوم نیز مجتهد در نهایت امر، نظری ندارد و تعریض و تخطئه‌ای نسبت به دیدگاه سایر مجتهدان نیز بیان نمی‌کند. مباحثی که درباره حکم صورت

مباحث  
پژوهش‌های فقهی

وظیفه مکلف در فرض فقدان فتوای مجتهد اعلم

اول بیان شد، درباره حکم صورت دوم نیز قابل بیان است. بر این اساس، در صورت دوم نیز مکلف در رعایت احتیاط یا رجوع به مجتهدان غیر اعلم مخیر است.

### صورت سوم: فقدان فتوای مجتهد اعلم و تخطئه سایر دیدگاه‌ها

مجتهد اعلم به عملیات استنباط حکم در مسئله‌ای معین وارد شده و به مطالعه و تحقیق پرداخته است، اما به نتیجه نرسیده و از بیان حکم اثباتی بازمانده است، در عین حال به دیدگاهی سلبی رسیده و کارشناسی و اجتهاد تمام یا برخی از دیگر مجتهدان را مورد تخطئه قرار می‌دهد. پیرامون صورت سوم باید در دو محور بحث نمود:

#### محور اول: ارزیابی اعتبار سلب نظر دیگر فقها

آیا سلب فتوای دیگران از سوی مجتهد اعلم، اعتبار دارد یا خیر؟ درباره این مسئله، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه نخست؛ عدم اعتبار: ادله لزوم مراجعه به مجتهد و اعتبار دیدگاه او (مانند ادله نقلی و سیره عقلایی) فقط به مواردی اختصاص دارد که مجتهد دیدگاهی ایجابی را بیان می‌کند؛ اما این ادله نسبت به مواردی که مجتهد اعلم نظری ایجابی نداشته و فقط به سنجش و نفی دیدگاه سایر مجتهدان می‌پردازد، شمول ندارد. فقهای که به طور مطلق، در صورت فقدان فتوای مجتهد اعلم و حکم او به احتیاط وجوبی، به جواز مراجعه به سایر مجتهدان حکم می‌کنند، نظر سلبی مجتهد اعلم را مشمول ادله حجیت قول مجتهد نمی‌دانند.<sup>۱</sup> با پذیرش این دیدگاه، صورت سوم نیز مانند صورت اول و دوم خواهد بود؛ زیرا اظهار نظر سلبی مجتهد اعلم نیز مانند عدم اظهار نظر او است. از این رو، در صورت سوم نیز مکلف باید به مجتهد اعلم بعدی مراجعه کند. شاید مبنای اطلاق کلام فقهای مانند سید یزدی در مسئله چهاردهم اجتهاد و تقلید نیز این دیدگاه باشد. بنابر دلیل دیگر، شاید در یک مسئله دیدگاه‌های گوناگونی موجود باشد و فقیه اعلم، ادله آنان را بررسی کرده و از نظر او ادله اقامه شده تام نیستند؛ ولی شاید ناتمام بودن دلیل نزد فقیه اعلم، موجب بطلان حکم

۱. برای نمونه، محقق بروجردی: یزدی، العروة الوثقی و التعليقات علیها، ج ۱، ص ۲۴۹، تعلیقه ۴.

و فتوای سایر مجتهدان نباشد؛ همان گونه که حکم او به وجوب رعایت احتیاط نیز بر همین مطلب دلالت دارد؛ زیرا اگر تمام احتمالات و ادله باطل باشند، مجالی برای حکم به احتیاط نیز باقی نخواهد ماند. همچنین آنچه در آن تقلید اهمیت دارد، نظر و فتوای فقیه در خصوص حکم الهی است و در فرض کنونی، فقیه اعلم به چنین نظری دست نیافته و نظر او پیرامون ادله دیدگاه‌های ارائه شده از سوی سایر فقها است؛ نظر فقیه مبنی بر اینکه ادله موجود، قابل استناد نیستند نیز فتوای فقیه در مورد حکم الهی شمرده نمی‌شود. بنابراین باید در فرض کنونی نیز، مراجعه به فقهای بعدی را به طور مطلق جایز دانست.<sup>۱</sup>

دیدگاه دوم؛ اعتبار: مجتهد، کارشناس است و طبق سیره عقلایی نظر سلبی او نیز اعتبار دارد. این دیدگاه، به دلایلی، صحیح‌تر از دیدگاه نخست به نظر می‌رسد:

دلیل اول: حتی اگر شمول ادله لفظی پذیرفته نشود، جریان سیره عقلایی در بحث کنونی قابل نفی نیست. برای نمونه، اگر کارشناس ارشد به نفی نظر و شیوه کارشناسی سایرین پردازد، سیره عقلایی بر حجیت و اعتبار این دیدگاه مجتهد ارشد دلالت می‌کند.

دلیل دوم: شاید اطلاق ادله لفظی پذیرفته شود؛ طبق این احتمال، ادله‌ای مانند آیه اهل ذکر<sup>۲</sup> اطلاق دارند. اهل ذکر ممکن است به صحیح نبودن روش به کار رفته از سوی کارشناسی دیگر حکم دهد؛ این نوع پاسخ نیز یک نظر کارشناسی به شمار می‌آید.

دلیل سوم: در بحث‌های پیشین گفته شد که اگر مجتهد اعلم درباره یک مسئله به اظهار نظر نپرداخت، باید طبق ادله وجوب تقلید اعلم، از مجتهد اعلم بعدی تقلید نمود؛ ولی می‌توان گفت: اگر مجتهد اعلم، دیدگاه مجتهد اعلم بعدی را مورد تخطئه قرار داد، سیره عقلایی نیز نسبت به مراجعه به اعلم بعدی شمول ندارد. در واقع، قدر متیقن سیره عقلایی در جایی است که مجتهد اعلم به رد دیدگاه مجتهد اعلم بعدی نمی‌پردازد؛ ولی در فرض کنونی شمول سیره نسبت به فتوای مجتهد اعلم بعدی مورد تردید است. این تردید برای عدم اعتبار نظر مجتهد اعلم بعدی کافی است.

بر اساس این تحلیل، از بین دو دیدگاه مطرح در صورت سوم، باید دیدگاه دوم یعنی

۱. فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة (الاجتهاد و التقليد)، ج ۱، صص ۴۱۲-۴۱۳.

۲. سوره نحل، آیه ۴۳: ﴿فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾.

اعتبار نفی نظر دیگر مجتهدان از سوی مجتهد اعلم را ترجیح داد. این دیدگاه را فقهای مانند محقق خوانساری، محقق خویی، محقق مرعشی نجفی پذیرفته‌اند.<sup>۱</sup> همچنین محقق تبریزی در نظر متأخر خویش این دیدگاه را ترجیح می‌دهد.<sup>۲</sup>

#### محور دوم: وظیفه مکلف در حالات مختلف صورت سوم

از اموری که به تدقیق در این مسئله کمک می‌کند، تشقیق دقیق مسئله و ترسیم اقسام گوناگونی است که برای صورت سوم وجود دارد. از یک منظر، باید بررسی نمود که کلام فقیه اعلم مبنی بر تخطئه دیدگاه سایر فقها، چه قیودی دارد؛ برای مثال، ممکن است فقیه اعلم، ضمن تخطئه دیدگاه سایر فقها، به وجوب رعایت احتیاط حکم دهد و در این احتیاط، مراجعه به سایر فقها را جایز نداند. در این فرض، مکلف صرفاً باید احتیاط کند. البته فرض‌های دیگری نیز برای اظهار منع مراجعه به سایر فقها قابل تصویر است. برای نمونه، ممکن است دلیل فتوای سایر فقها، ظهور دلیلی خاص باشد؛ ولی، فقیه اعلم احتمال می‌دهد که التزام به مدلول این ظهور از نظر عرف قابل پذیرش نباشد، یا معتقد است بیان فتوا بر اساس آن ظاهر به برخی مفسد منجر می‌گردد؛ در این شرایط نیز فقیه اعلم، به احتیاط غیر قابل عدول حکم می‌دهد.

در مقابل، گاه فقیه اعلم، ضمن تخطئه ادله برخی دیگر از فقها، صرفاً به وجوب رعایت احتیاط حکم نموده و سخن از عدم جواز مراجعه به فقهای بعدی به میان نمی‌آورد. در این فرض، تفصیلی که در ادامه بیان خواهد شد، باید مد نظر قرار گیرد؛ بر اساس این تفصیل، گاهی مجتهد اعلم، فقط صحت استنباط مجتهد اعلم بعدی را مورد نقد و نفی قرار می‌دهد. در این حالت، مکلف می‌تواند به مجتهد اعلم سوم که دیدگاه او نفی نشده، مراجعه نماید. گاهی نیز پس از مجتهد اعلم، چند مجتهد مساوی وجود دارد و مجتهد اعلم دیدگاه برخی از آنان را مورد تخطئه قرار می‌دهد. در این شرایط مکلف می‌تواند به مجتهدانی که فقیه اعلم درباره نظر آنان سکوت کرده است، مراجعه نماید. اما اگر مجتهد

۱. یزدی، العروة الوثقی و التعليقات علیها، ج ۱، ص ۲۴۹، حاشیه ۴.

۲. تبریزی، تنقیح مبانی العروة، ج ۱، ص ۳۷.

اعلم، فتوای تمام مجتهدان بعدی را تخطئه کند و در عین حال، سخن از عدم جواز مراجعه به آنان به میان نیاورد، دو حالت قابل تصویر است:

حالت نخست: علم اجمالی به صحت دیدگاه یکی از مجتهدان موجود؛ گاهی با قطع نظر از اینکه مجتهد اعلم، شیوه استدلال تمام فقهای موجود را نفی می‌کند، مکلف می‌داند که در عالم واقع، حکمی متفاوت از دیدگاه مجتهدان موجود قابل بیان نیست. برای نمونه، مکلف می‌داند که نماز یا قصر است یا تمام، و برخی از مجتهدان موجود به قصر و برخی دیگر به تمام بودن نماز فتوا داده‌اند؛ ولی مجتهد اعلم ادله هر دو دیدگاه را نفی می‌کند. در این حالت، دو دیدگاه قابل ارائه است:

الف) وجوب احتیاط: عمل به هر یک از آراء فقهای دیگر فاقد دلیل و حجت است، در حالی که مکلف می‌تواند با جمع میان فتاوا، واقعی که با علم اجمالی منجز شده را تحصیل کند. بدین ترتیب، مکلف باید در مثال یادشده، دو نماز قصر و تمام ادا نماید.

ب) تخییر میان فتاوی مجتهدان؛ برای حکم به تخییر مکلف در مراجعه به مجتهدان مساوی، دلایل گوناگونی وجود دارد و مشهور فقها بر اساس این ادله، به تخییر مکلف قائلند.<sup>۱</sup> البته فقهای مانند محقق خویی در این شرایط حجیت تخییری را معقول ندانسته و به وجوب احتیاط حکم می‌دهند.<sup>۲</sup> یکی از ادله مهم تخییر، مطلوب نبودن احتیاط در مذاق شارع و دلیل دیگر موثقه سماعه است. این دو دلیل در بحث کنونی نیز قابل تمسک هستند:

دلیل اول: از مذاق شریعت می‌توان فهمید که شارع در رفتار خود با مکلفان، به دنبال تحمیل احتیاط نیست. با پذیرش این قاعده و حکم کلی، باید در بحث کنونی نیز به نفی لزوم احتیاط معتقد شد؛ زیرا در فرض پذیرش احتیاط، لازم است مکلف در تمام مواردی که مجتهد اعلم اظهار فتوا نکرده است، به شناخت حالات گوناگون متصور برای تکلیف و رعایت احتیاط بین آنها پردازد و این امر با مذاق شارع سازگار نیست. البته ممکن است اشکال شود که مذاق شارع، دلیل لبی است و باید به قدر متیقن آن اکتفا کرد و فرض کنونی

## مباحثات

وظیفه مکلف در فرض فتوان فتوای مجتهد اعلم

۱. برای نمونه ر.ک: یزدی، العروة الوثقی (المحشی)، ج ۱، ص ۲۰؛ همو، العروة الوثقی و التعليقات علیها، ج ۱، ص ۲۴۷، حاشیه ۲.

۲. خویی، التنقیح، ج ۱، ص ۱۷۰.

نیز از دایره قدرمتیقن دلیل مذکور خارج است.<sup>۱</sup>

دلیل دوم: در موثقه سماعه، از امام صادق علیه السلام درباره شرایطی سؤال می‌شود که دو راوی، دو روایت مختلف بیان می‌کنند که یکی بر وجوب یک عمل و دیگری بر حرمت آن عمل دلالت دارد. بر اساس پاسخ امام، مکلف تا زمانی که به شخص آگاه از حکم واقعی دسترسی ندارد، مخیر است.<sup>۲</sup> طبق این موثقه، در شرایطی که دو دیدگاه متفاوت وجود داشته باشد و مکلف نتواند یکی از آن دو را ترجیح دهد، در مراجعه به مجتهدان موجود مخیر خواهد بود. حتی اگر ادعا شود که روایت به فرض تعارض دو روایت اختصاص دارد و در شمول مدلول روایت سماعه نسبت به فرض کنونی - یعنی تفاوت فتاوی مجتهدان - تردید وجود داشته باشد، قطعاً می‌توان ملاک آن را در این فرض جاری دانست<sup>۳</sup>؛ زیرا بنابراین روایت، بعید نیست که قول به تخییر بر پذیرش وجوب احتیاط ترجیح یابد.

حالت دوم؛ احتمال حکمی متفاوت از فتوای مجتهدان موجود: مجتهد اعلم، دیدگاه تمام مجتهدان موجود را نفی نموده است؛ ولی مکلف احتمال می‌دهد که برای مسئله مورد ابتلای او، حکمی متفاوت از دیدگاه این مجتهدان نیز قابل بیان است. در این صورت، علمی اجمالی بر صحت یکی از دیدگاه‌های موجود برای مکلف ایجاد نمی‌شود. فرض کنید هیچ یک از فقها، قرائت حمد در رکعت سوم و چهارم را کافی نمی‌دانند، ولی در وجوب یک یا سه مرتبه تسبیح با هم اختلاف نظر دارند. در این فرض، طبق احتمالی دیگر، ممکن است تسبیح واجب نباشد، بلکه قرائت حمد واجب باشد.

در این حالت نیز - مانند حالت اول - دو احتمال مطرح است:

الف) وجوب احتیاط: در فرض کنونی، دو نوع احتیاط قابل تصویر است: احتیاط میان آراء فقهای موجود و احتیاط با توجه به حکم واقعی. طبق نوع اول، همین که مکلف میان دیدگاه‌های فقها جمع نماید، کافی است. پس در مثال یادشده یک نماز با سه تسبیح کافی است، ولی برای احتیاط در واقع باید میان تمام احتمالات مسئله جمع نماید و علاوه بر

۱. اعرافی، اجتهاد و تقلید، ج ۴، ص ۵۵۰.  
 ۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۶.  
 ۳. اراکی، رساله فی الاجتهاد و التقليد، ص ۴۶۶.

سه تسبیح، حمد را نیز باید قرائت نماید. به نظر می‌رسد - اگر وجوب احتیاط برگزیده شود - مکلف باید به احتیاط در واقع بپردازد؛ زیرا طبق فرض، مجتهد اعلم در استدلال سایر فقها خدشه وارد کرده و دیدگاه آنان از حجیت برخوردار نیست و مکلف موظف به انجام حکم واقعی است.

ب) تخییر: علم به مطلوب نبودن احتیاط در نظر شارع و موثقه سماعه بر تخییر مکلف دلالت دارند. اگر یکی از این دو دلیل پذیرفته شود، باید قائل به تخییر مکلف شد؛ اما استدلال به هر دو دلیل دشوار است. استدلال به مذاق شارع با اشکال پیشین مواجه است. همچنین ملاک موثقه سماعه در بحث کنونی جاری نیست. در حالت پیشین موثقه جاری بود؛ زیرا - هر چند اقوال سایر فقها به وسیله فقیه اعلم مورد نفی قرار گرفت، ولی - مکلف به صحت قول یکی از فقهای موجود و مطابقت آن با قول معصوم علم اجمالی داشت و لذا ملاک حکم در موثقه سماعه در آنها جاری می‌شد. اما در حالت کنونی، حکمی متفاوت از احکامی که سایر فقها بیان نموده‌اند، محتمل است و ممکن است تمام آراء فقهای موجود نادرست باشد. از این رو، ملاک موثقه سماعه در آن فتاوا جاری نخواهد بود. ممکن است ملاک موثقه سماعه محدود به مواردی باشد که دو حدیث یا دو دیدگاه به مکلف رسیده و مکلف به صحت و حجیت یکی از این دو علم اجمالی دارد. بنابراین وجوب احتیاط در این حالت بعید به نظر نمی‌رسد.

### صورت چهارم: ترک افتا به سبب برخی مصالح

گاه مجتهد اعلم به مطالعه، تحقیق و استنباط پرداخته و به حکمی دست می‌یابد، اما به سبب برخی مصالح، نظر فقهی خود را اعلام نمی‌کند. در واقع، ثبوتاً دارای فتواست و به نظر ایجابی رسیده و دیدگاه سایر فقها را نیز تخطئه می‌کند؛ اما به سبب عروض برخی از عناوین ثانوی، در مقام اثبات، فتوای خود را اعلام نمی‌کند. سکوت مجتهد گاهی مطلق است و گاهی با فتوا به وجوب احتیاط همراه می‌شود. حکم این صورت طی دو بحث ذیلاً دنبال می‌شود.

### جواز سکوت مجتهد دارای فتوا

طبق فرض، مجتهد اعلم به فتوا دست یافته است. نخستین پرسش پیش‌رو وظیفه مجتهد در این باره است. آیا مجتهدی که به استنباط پرداخته و به نتیجه رسیده است، اجازه سکوت دارد؟

در این باره، دو احتمال وجود دارد: طبق یک احتمال، سکوت مجتهد جایز نیست؛ زیرا ارشاد جاهل، واجب و کتمان حق، جایز نیست. این دو قاعده مورد قبول و وفاق علما بوده و ادله فراوانی برای اثبات آن قابل بیان است.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه، یکی از افرادی که در قرآن کریم مورد لعن قرار گرفته است، فردی است که حقیقتی را می‌داند و با وجود نیاز مردم به آگاهی از آن، کتمان حقیقت کرده، سکوت اختیار می‌کند. در این دست آیات، عتاب و خطاب‌های بسیار شدیدی بیان شده است.<sup>۲</sup> از این رو، افتا بر مجتهد واجب است<sup>۳</sup> و طبق آن باید گفت صورت چهارم، سالبه به انتفای موضوع است. احتمال دیگر آن است که سکوت مجتهد جایز است. اثبات این احتمال با دو دلیل امکان‌پذیر است:

دلیل نخست: قاعده وجوب ارشاد جاهل و حرمت کتمان حقیقت در بحث کنونی جاری نیست؛ زیرا وجوب ارشاد جاهل به مواردی اختصاص دارد که مکلف هیچ راهی - اگر چه ظاهری - برای خروج از تکلیف ندارد؛ ولی در فرض کنونی، مجتهد اعلم به دلایلی، به وجوب رعایت احتیاط حکم می‌کند. با بیان این حکم و مشخص کردن تکلیف ظاهری مقلد، مجتهد اعلم به ارشاد جاهل پرداخته و واجب نیست که نظر واقعی خویش را بیان کند. حرمت کتمان حقیقت نیز مربوط به شرایطی است که اگر شخص عالم به بیان علم خویش نپردازد، جاهل در ظلمت و گمراهی باقی خواهد ماند؛ اما در فرض کنونی، به کمک حکم ظاهری مبنی بر وجوب رعایت احتیاط، شخص مقلد از عهده تکلیف خارج شده و از خطا مصون می‌ماند. در این شرایط ذمه مجتهد اعلم نیز از وجوب ارشاد و اظهار حق مبرا می‌شود؛ زیرا تکلیف عملی مکلف را ذکر کرده و او را از ارتکاب خطا مصون داشته است. همچنین اگر مجتهد اعلم در این شرایط سکوت کند، بنابر فرض، مکلف سکوت او را به عنوان احتیاط وجوبی تلقی کرده و طبق احتیاط وجوبی عمل می‌نماید.

اما دو ملاحظه در این دلیل قابل بیان است: اول آنکه جواز ترک افتا تنها در صورتی است که مکلف در اثر سکوت مجتهد به حکمی غیر از احتیاط وجوبی روی نیاورد؛ وگرنه مجتهد

۱. برای نمونه: نجفی، النور الساطع، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. سوره بقره، آیه ۱۵۹؛ همان، آیه ۱۷۴؛ سوره نساء، آیه ۴۲.

۳. ر.ک: اعرافی، فقه تربیتی، ج ۳۰، صص ۲۰۷-۲۰۸.



در امثال وظیفه ارشاد جاهل و اظهار حق کوتاهی کرده است. دیگر آنکه ارشاد جاهل و اظهار حق، به مجرد آنکه مکلف به خطا نمی افتد امثال نمی شود. این دو قاعده ابراز حکم واقعی و فتوای صحیح را بر عالم واجب نموده است. اگر این مبنا پذیرفته شود، استدلال کنونی به طور کلی منتفی خواهد شد.<sup>۱</sup>

دلیل دوم: قانون وجوب ارشاد جاهل و حرمت کتمان حقیقت، هرچند بر ابراز فتوا و حکم واقعی تأکید دارد و مجرد به خطا نیفتادن مکلف، راه امثال آن نیست؛ ولی در فرض کنونی، به سبب عروض عناوین ثانوی، رعایت این قانون الزامی نیست و مجتهد اعلم به سبب مصالحی، از بیان فتوای خویش صرف نظر می کند و به وجوب رعایت احتیاط حکم می دهد. بر این اساس، در تمام شرایط نمی توان به وجوب اعلام فتوا از سوی مجتهد اعلم قائل شد.

#### وظیفه مکلف در فرض خودداری مجتهد اعلم از افتا

پس از آنکه خودداری مجتهد اعلم از ابراز فتوا جایز شمرده شد این پرسش پیش می آید که وظیفه مکلف در این صورت چیست؟ طبعاً عمل به احتیاط بی اشکال جایز است؛ زیرا مکلف با احتیاط به انجام حکم واقعی اطمینان می یابد. پرسش در جواز مراجعه به مجتهد بعدی یا عمل به نظر اعلام نشده مرجع اعلم است. در پاسخ به این پرسش، باید میان علم و جهل مکلف به نظر مجتهد تفکیک کرد که ذیلاً بیان می شود.

فرض نخست؛ علم مکلف به نظر واقعی مجتهد: در این فرض، چهار احتمال قابل ذکر است: یکم: احتیاط یا تبعیت از دیدگاه فقیه اعلم که محقق خوانساری این احتمال را می پذیرد<sup>۲</sup>؛ دوم: جواز مراجعه به مجتهد اعلم بعدی که مشهور فقها بر این باورند<sup>۳</sup>؛ سوم: جواز عمل به نظر واقعی مجتهد اعلم؛ زیرا اگرچه مجتهد اعلم در این مسئله به بیان فتوا نپرداخته، ولی مکلف نظر او را می داند و نباید به مجتهدی دیگر مراجعه کند؛ چهارم: تخییر میان عمل به نظر واقعی و مراجعه به علم بعدی. ارزیابی این احتمالات و دستیابی به دیدگاه صحیح بر این مبنا استوار است که فتوای ابراز نشده مجتهد حجت است یا خیر؟ آنگاه که مجتهد نظرش را به عنوان فتوا

ما اجتهاد  
پژوهشهای فقهی

وظیفه مکلف در فرض خودداری مجتهد اعلم

۱. ر.ک: اعرافی، فقه تربیتی، ج ۳۰، صص ۲۰۹-۲۱۰.

۲. یزدی، العروة الوثقی و التعليقات علیها، ج ۱، ص ۲۴۹، حاشیه ۴.

۳. برای نمونه، محقق بروجردی. ن.ک: همان.

ابراز نماید بی شک حجت است، اما جواز عمل به نظری که مجتهد بدان دست یافته، ولی بدان افتا نکرده، اختلافی است. در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد.

بنابر دیدگاه برخی از فقها، نظر اعلام نشده مرجع، فاقد اعتبار و حجیت است؛ زیرا موضوع تقلید و مراجعه به مجتهد، افتا و ابراز فتوای کارشناسی است و اگر فقیهی، فتوای کارشناسی خود را ابراز نکند، دیدگاه اعلام نشده او، موضوع تقلید و مراجعه به مجتهد نخواهد بود. محقق تبریزی به این دیدگاه تمایل دارد.<sup>۱</sup> با پذیرش این دیدگاه، احتمال سوم و چهارم باید کنار گذاشته شوند.

در مقابل، دیدگاه دیگری معتقد است، موضوع تقلید، افتا نیست؛ زیرا بنابر سیره عقلا، مراد از تقلید آن است که مکلف جاهل باید به عالم مراجعه نموده و از او تقلید نماید. در این مراجعه، افتا موضوعیت ندارد و آراء اعلام نشده کارشناس برتر نیز معتبر است. برای مثال، اگر کسی نظر کارشناس برتر در تعمیر اتومبیل یا پزشکی را بداند، برای عمل به نظر آنها منتظر ابراز و اعلان نمی‌ماند. طبق این دیدگاه، اگر مکلف، شک داشته باشد که مجتهد اعلم فتوای اعلام نشده‌ای دارد یا نه، فحوص برای پی بردن بدان واجب نیست و می‌تواند فقدان فتوای او را استصحاب کند و به رعایت احتیاط پردازد؛ اما اگر برای او احراز شود که مجتهد اعلم در مسئله مورد ابتلای او دارای فتوا است و به سبب عروض عنوانی ثانوی فتوای خویش را اعلام نمی‌کند، در فرضی که نخواهد احتیاط را رعایت نماید، باید برای پی بردن به نظر مجتهد اعلم، فحوص کند. البته باید عنوان ثانوی‌ای که مانع ابراز فتوا شده، به خود مجتهد بازگردد، اما اگر عنوان ثانوی مانع، به فعل مکلف بازگردد، عمل به دیدگاه واقعی مجتهد جایز نخواهد بود. برای داوری میان این دو دیدگاه باید به بررسی ادله تقلید پرداخت. شاید بتوان ادعا کرد که موضوع ادله لفظی تقلید مانند «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقْعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ رُوَاةَ حَدِيثِنَا»<sup>۲</sup> و «اجلس في مسجد المدينة و أفْتِ النَّاسَ»<sup>۳</sup> افتا است؛ اما موضوع سیره عقلائی مبنی بر مراجعه جاهل به عالم، افتا نیست. از این رو، بعید نیست که دیدگاه دوم صحیح بوده و عمل به دیدگاه اعلام نشده

۱. تبریزی، تنقیح مبانی العروة، ج ۱، ص ۳۷.

۲. ابن بابویه، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴.

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۰.

مجتهد جایز باشد. با پذیرش این دیدگاه، سومین احتمال قابل پذیرش خواهد بود. بر اساس این احتمال، مکلف باید یا احتیاط کند یا به نظر واقعی مجتهد اعلم عمل نماید.

فرض دوم؛ بی اطلاعی مکلف از نظر واقعی مجتهد: اگر مکلف نظر مجتهد اعلم را نداند و راهی برای اطلاع از آن در اختیار ندارد، دو احتمال وجود تعیینی احتیاط، و تخییر میان احتیاط و مراجعه به مجتهد اعلم بعدی تصویر می‌شود.

در این فرض، از بین دو احتمال مذکور، وجود احتیاط بعید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا طبق فرض، مجتهد اعلم دیدگاه سایر فقها را تخطئه کرده و مکلف نمی‌تواند به مجتهدان بعدی مراجعه نماید.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فقدان فتوای مجتهد اعلم دارای صورتی است:

صورت نخست: مجتهد اعلم مسئله را بررسی نکرده و نظری اعلام نمی‌کند. در این شرایط، مکلف بین عمل به دیدگاه سایر مجتهدان با رعایت اعلامیت یا عمل به احتیاط مخیر است.

صورت دوم: مجتهد مسئله را بررسی نموده است، ولی به نظر سلبی و ایجابی دست نیافته است. وظیفه مکلف، به مانند صورت نخست است.

## ماجتهاد

پژوهش‌های قضایی

وظیفه مکلف در فرض فقدان فتوای مجتهد اعلم

صورت سوم: مجتهد اعلم مسئله را بررسی نموده است و افزون بر آنکه خود به فتوایی دست نمی‌یابد، دیدگاه سایر مجتهدان را نیز تخطئه می‌کند. در این صورت، اگر مجتهد اعلم، فقط دیدگاه مجتهد اعلم بعدی را تخطئه کرد مکلف می‌تواند به مجتهد اعلم سوم مراجعه نماید؛ ولی اگر بعد از مجتهد اعلم، چند مجتهد مساوی وجود دارد و مجتهد اعلم، دیدگاه برخی از آنان را مورد تخطئه قرار داد، در حکم این صورت، دو احتمال وجود دارد: تخییر و احتیاط، و بعید نیست که تخییر نسبت به احتیاط ترجیح داشته باشد. اگر مجتهد اعلم، ضمن تخطئه دیدگاه سایر مجتهدان، اعلام کرده که رجوع به سایر فقها جایز نیست، مکلف باید احتیاط را رعایت نماید. اگر مجتهد اعلم، دیدگاه سایر مجتهدان را تخطئه کند، ولی مکلف بداند که آراء یکی از مجتهدان مساوی، مطابق با واقع است، در این صورت، دو احتمال وجود دارد: تخییر و احتیاط، و از بین این دو احتمال، تخییر مقدم است. در فرض تحقیق و عدم فتوای مجتهد اعلم و تخطئه دیدگاه سایر مجتهدان مساوی و عدم علم به

مطابقت اقوال یکی از مجتهدان مساوی با واقع، وجوب احتیاط بعید به نظر نمی‌رسد. صورت چهارم: مجتهد اعلم در مسئله‌ای معین به فتوا دست یافته است، ولی از ابراز آن خودداری می‌کند. در این صورت اگر مکلف از فتوای واقعی مجتهد اعلم آگاه باشد و مانع ابراز فتوا به مجتهد - و نه مقلد - بازگردد، باید به این نظر عمل کند. البته در این شرایط، مانند تمام حالات پیشین، مکلف می‌تواند به رعایت احتیاط پردازد.

## منابع و مأخذ

\* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه، چ ۲، ۱۳۹۵ق.
۲. اراکی، محمدعلی، رساله فی الاجتهاد و التقليد، قم: مؤسسه در راه حق، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۳. اعرافی، علی‌رضا، اجتهاد و تقلید، قم: مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان، چ ۱، ۱۳۹۸ش.
۴. \_\_\_\_\_، فقه تربیتی، قم: مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان، چ ۱، ۱۴۰۰ش.
۵. آملی، هاشم، القواعد الفقهية و الاجتهاد و التقليد، قم: نوید اسلام، چ ۱، ۱۳۸۸ش.
۶. تبریزی، جواد بن علی، تنقیح مباني العروة، قم: دار الصدیقة الشهيدة علیه السلام، چ ۱، ۱۴۲۶ق.
۷. شافعی شیرازی، ابراهیم بن علی (ابی اسحاق)، المهذب، بیروت: دارالشامیه، چ ۲، ۱۴۲۲ق.
۸. حکیم، محسن، منهاج الصالحین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چ ۱، ۱۴۱۰ق.
۹. یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۹ق.
۱۰. \_\_\_\_\_، العروة الوثقی و التعليقات علیها، قم: مؤسسه السبطين علیهما السلام العالمية، ۱۳۸۸ش.
۱۱. \_\_\_\_\_، العروة الوثقی (المحشی)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ ۲، ۱۴۰۹ق.
۱۲. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة (الاجتهاد و التقليد)، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۶ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۱۴. موسوی خمینی، روح الله، تحرير الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چ ۱، [بی تا].
۱۵. موسوی خویی، ابوالقاسم، التنقیح فی شرح عروة الوثقی (الاجتهاد و التقليد)، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۱۶. نجاشی، احمد بن علی، الرجال، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چ ۱، ۱۳۶۵ش.
۱۷. نجفی، علی بن محمد رضا، کاشف الغطاء، النور الساطع فی الفقه النافع، نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۸۱ق.
۱۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۷، [بی تا].

ماجتهاد  
پژوهش‌های فقهی

سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱